

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

منتشر شده در یونگه ولت Junge Welt

مصاحبه: آدا فیرست

برگردان: م. میرفخرائی

۲۳ جون ۲۰۲۲

## این روس ها یا چینی ها نبودند که ۶۰۰ سال به ما ظلم کردند.

در مورد روابط بین المللی زامبیا، توسعه حزب سوسیالیست این کشور و نظم جهانی نئولیبرال. مصاحبه با کوسماس موسومالی



یک شرکت چینی ماشین آلات و وسایل نقلیه را به دولت زامبیا تحویل می دهد تا به این کشور در توسعه جاده ها در

مناطق روستایی کمک کنند (لوزاکا/زامبیا، سپتامبر ۲۰۱۵)

دکتر کوسماس موسومالی، ۵۷ ساله، دبیر کل حزب سوسیالیست زامبیا و یک اقتصاددان است. او در دهه ۱۹۸۰ در ماربورگ تحصیل کرد. او ریشه های سیاسی خود را در جنبش تعاونی برای مبارزه با فقر، در مبارزه با اچ آی وی و توسعه سیستم های بهداشتی می بیند. هیأتی از حزب سوسیالیست اخیراً قصد داشت به اروپا سفر کند، اما به دلیل مشکلات ویزا این سفر محقق نشد.

\*\*\*\*\*

حزبی که شما به عنوان دبیرکل ریاست آن را بر عهده دارید، هنوز بسیار جوان است. حزب سوسیالیست زامبیا چگونه به وجود آمد و چگونه سازماندهی شد؟

برخی از کسانی که حزب را تأسیس کردند – من یکی از آنها هستم – ریشه در جنبش سوسیالیستی یا کمونیستی دارند. من عضو حزب کمونیست المان و اتحادیه دانشجویی ماربورگ و بخشی از جنبش ضد آپارتاید بودم و در چپ اروپا فعال بودم. من از اتحاد جماهیر شوروی دیدن کردم، رفقاء و دوستانی در سازمان جوانان حزب کمونیست المان دموکراتیک داشتم و با پروژه سوسیالیستی المان آشنا هستم. رئیس حزب ما، فرد ممبه، یکی از اعضای حزب کمونیست افریقای جنوبی بود.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در حالی که نظم جهانی نئولیبرالی بر ما سایه افکنده بود، شاهد آن بودیم که نه تنها زامبیا پیشرفت نمی کند، بلکه کالاهای مشترک و سیستم عمومی در حال خصوصی سازی و نابودی است. نئولیبرالیسم گرسنگی را بازگرداند. سرمایه داری نشان داد که برای حل مشکلات به وجود نیامده به خصوص در مناطق پیرامونی – نه صلح و نه عدالت با آن حاصل نمی شود. یک پروژه جدید مورد نیاز بود.

تا همین چند سال پیش حتی امکان نداشت که خود را حزب سوسیالیست بنامیم. تغییرات پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در زامبیا بسیار چشمگیر بود: صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برنامه های SAP را ارائه کردند (برنامه های تعدیل ساختاری اهدافی هستند که برای به دست آوردن بودجه باید برآورده شوند، به عنوان مثال خصوصی سازی های بیشتر) و نتیجه قصه قرار بود که این باشد که سوسیالیسم بازنده است حتی جنبش های چپ مترقی نیز گفتند که سوسیالیسم دیگر هدف نهایی نیست. وقتی قبول کنیم که زامبیا و تمام افریقا عقب نگاه داشته شده است، سرمایه داری در حال نابودی کشور و قاره است، وعده های جنبش های آزادیبخش محقق نشده است، ابتداء مجبور شدیم این اصطلاح را دوباره به کار بگیریم و توضیح دهیم که سوسیالیست کیست. اگر ما نتوانیم مفاهیم خود را مثبت بیان کنیم، چه کسی می تواند اینکار را بکند؟ ما در این زمینه دستاوردهای زیادی داشته ایم: سوسیالیسم در زامبیا دوباره معنایی پیدا کرد. حتی احزاب بورژوائی از اصطلاحات «سوسیال» و «سوسیالیست» استفاده می کنند تا نشان دهند که سیاست مردمی در زامبیا به چه معناست.

ما همیشه پان افریقائی فکر می کنیم: کشور ما نمی تواند به تنهایی روی پایهای خود بایستد، ما باید و می خواهیم با همسایگان خود همکاری کنیم. ما قویاً معتقدیم که تغییر در زامبیا باید به معنای تغییر برای این قاره باشد. جوانان باید توانمند شوند، ما باید سازمان ها و جوانان کشورهای دیگر را راهنمایی کنیم. ما حدود ۲۰ درصد از وقت خود را صرف مبادلات بین المللی می کنیم و روی موضوعات پان افریقائی کار می کنیم. برای ما انترناسیونالیسم یک نیاز اساسی و شرط کار ماست.

ما سریعترین حزب در حال رشد در زامبیا هستیم. ما با ۱۰ هزار عضو شروع کردیم، اکنون به سرعت در حال حرکت به سمت صد هزار هستیم، سال آینده قصد داریم به سیصد هزار نفر برسیم. از یک طرف، چنین رشد سریعی تأیید می کند که ما در مسیر درستی هستیم. با این حال، ادغام اعضای جدید، توسعه ایده ها با آنها و تدوین ایده آل ها نیز یک نبرد است. اما یک نبرد مثبت است. ما امیدواریم که به اولین کشور سوسیالیستی جدید افریقا تبدیل شویم.

**انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شورای ملی سال گذشته برگزار شد. رأی گیری و نتیجه را چگونه ارزیابی می کنید؟**

جبهه میهنی (PT) تحت رهبری ادگار لونگو در این انتخابات شکست خورد. این حزب به لیست بلندبالائی از احزاب پیوست که به وعده های خود عمل نکرده اند و نتوانسته اند به آنها عمل کنند و در باتلاق فساد و فامیل بازی فرو رفته اند.

اقتصاد زامبیا به ویران است، فقرای کشور، طبقه کارگر سازمان یافته و دهقانان همگی به اندازه کافی از جبهه میهنی آسیب دیده اند.

رأی دهندگان جوان نقش مهمی در زامبیا دارند: ۶۴ درصد از مردم زیر ۲۴ سال سن دارند. بسیاری از آنها به حزب متحد برای توسعه ملی (UPND) رأی دادند - یک حزب محافظه کار دست راستی که مورد حمایت سرمایه ایالات متحده و افریقای جنوبی است. این حزب ۲۰ سال در اپوزیسیون بود و یک کمپین انتخاباتی به خوبی سازماندهی شده و بودجه خوبی در اختیار داشت. توده‌های ناامید انتخاب‌های ستراتیژیک کردند: آنها خواهان تغییر بودند و به نظر می‌رسید که حزب متحد برای توسعه ملی می‌تواند آن را به آنها بدهد. آنها حزب سوسیالیست را به عنوان یک جایگزین، به اندازه کافی قدرتمند نمی‌دانستند. حزب برای آن خیلی جوان است. با این حال، پس از ده ماه باید گفت که مردم متوجه شده اند که احتمالاً تغییرات مورد نظر محقق خواهد شد. بسیاری از جوانانی که به حزب متحد برای توسعه ملی رأی داده اند اکنون به سراغ ما می‌آیند.

### **مبارزات انتخاباتی او با یک کمپین گسترده سوادآموزی مرتبط بود. مردم چگونه این را درک کردند؟**

دقیقا درست است: ۴۰ درصد از مردم زامبیا بی سواد هستند و با این حال باید انتخاب کنند. آنها باید بشنوند و بفهمند، باید برنامه های سیاستمداران را بخوانند و سپس به آنها رأی دهند. برای ما روشن بود که مسؤولیت ما بیشتر است، که ما به عنوان سوسیالیست وظیفه داریم مردم را توانمند کنیم و در بالا بردن آگاهی سیاسی آنها تلاش کنیم. برای این کار بر سه رکن تکیه کرده ایم:

۱ - کمپین انتخاباتی در قالب کمپین سوادآموزی اجراء می شد یا به عنوان وسیله ای برای معرفی برنامه سوادآموزی استفاده می شد. این برنامه ادامه دارد. ما در مناطق روستائی و شهری به توانائی خواندن متوسطی دست پیدا کرده ایم.

۲ - برابری جنسیتی: در زامبیا، ۵۲ درصد از جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند و این امر تاکنون در سیاست منعکس نشده است.

۳ - از بین بردن شکاف طبقاتی: ما افرادی را به عنوان نماینده انتخاب کردیم که آرایشگر، تاکسیران و کشاورز هستند. در سطح پارلمانی، ۱۵۶ حوزه انتخابیه وجود دارد که هر حزب برای آن نامزدی را معرفی می کند. در سطح محلی، ۱۸۰۰ منطقه به نام بخش وجود دارد. ما موفق شدیم به برابری جنسیتی دست یابیم و زنان و مردان را از جوامع گوناگون به صف کنیم. مردم متوجه شدند که ما کارها را متفاوت انجام می دهیم، که در حال ساختن چیزی بزرگتر هستیم، حتی اگر نتایج انتخابات ما آنقدر عالی نبود.

### **موانع پیش روی سیاست و اقتصاد زامبیا چیست و چه گزینه هائی را می بینید؟**

درک ارتباطات در زامبیا مهم است. سرمایه داری جهانی به صورت سلسله مراتبی سازماندهی شده است. مرکز سرمایه داری وجود دارد، اینها کشورهای هائی هستند که تعیین می کنند، مانند المان، بریتانیا، امریکا و غیره. همچنین مراکز منطقه ئی، به عنوان مثال افریقای جنوبی برای قاره افریقا وجود دارد. و سپس پیرامون وجود دارد: زامبیا. و اگرچه همه ما در این نظام سرمایه داری جهانی کار می کنیم، همه تحت تأثیر آن هستیم، اما قوانین متفاوت است. در پیرامون، قانون جنگل اعمال می شود. فقر در مقیاس بی‌سابقه‌ای است، تخریب محیطزیست ناشی از شرکت‌های چندملیتی که از منابع بهره‌برداری می‌کنند و آنها را به خارج از کشور می‌برند، گسترده است. دولت ها مشروعیت

ندارند، مردم مجاز به رأی دادن هستند، اما تنها انتخاب آنها این است که کدام شرکت چند ملیتی را می خواهند توسط دولت های فاسد خودشان استثمار کنند. مبارزه در همه جا وجود دارد، اما اینجا در زامبیا این مبارزه باید ده برابر شود. مردم اینجا از دولتشان انتظار دارند که شغل ایجاد کند، مردم را تغذیه کند، مسکن فراهم کند و از محیط زیست به گونه ای محافظت کند که مردم را به خطر نیندازد. آنها برای نیازهای اولیه می جنگند، عزت می خواهند، می خواهند تصمیماتی بگیرند که مهم است. آنها دولتی می خواهند که به آنچه وعده می دهد عمل کند. سرمایه گذاری روی مردم، پروژه ها و زیرساخت های کشور. دولت فعلی ۷۰۰ میلیون دالر به غول های معدنی مشوق داده است. فساد عمومی است و دستگاه دولتی هیچ اهرمی ندارد. همه جامعه درگیر این فساد است.

### **زامبیا یکی از مهم ترین تولیدکنندگان مس در جهان است. برای بیش از ۲۰ سال، بخش معدن در دست شرکت های چند ملیتی بوده است. چرا خواهان ملی شدن معادن نیستید؟**

بله، استخراج منابع در کشور عمدتاً توسط تعداد انگشت شماری از شرکت های معدنی چند ملیتی انجام می شود. منابع معدنی در اینجا استخراج می شود و سود در جای دیگر به دست می آید. مردم زامبیا باید ثروت، منابع کشورشان از جمله فلزات گرانبها را کنترل کنند. آنها باید به نحو احسن و با رعایت سلامتی محیط زیست استخراج شوند و سود حاصل از فروش آنها در کشور و مردم سرمایه گذاری شود و به نفع آنها باشد.

در حال حاضر حدود ۴۰ درصد از منابع معدنی در حال استخراج است، یعنی ۶۰ درصد هنوز در زمین است و فعلاً باید در آنجا بماند. اولین قدم ما باید کنترل مالیات باشد. حتی سازمان های مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، که دقیقاً رفقای سوسیالیست ها نیستند، متوجه می شوند که مالیات زامبیا از شرکت هایی که منابع طبیعی کشور را استخراج می کنند به شکلی مسخره بسیار کم است، فساد وجود دارد و حتی راه های زیادی برای اجتناب از پرداخت این مالیات کوچک هم وجود دارد.

اولین هدف ما به عنوان حزب سوسیالیست، بستن این منافذ مالیاتی است. ما باید در مورد نرخ های جدید مالیاتی با شرکت ها مذاکره کنیم، باید مطمئن شویم که ۶۰ درصد روی زمین بماند و مالیات بر ۴۰ درصد دیگر پرداخت شود. و ما باید اطمینان حاصل کنیم که سیستم های آموزشی و بهداشتی می توانند با کمک این مالیات ها تأمین مالی شوند، اما همچنین زیرساخت ها بهبود می یابد تا استخراج معدن در زامبیا کارآمدتر، مؤثرتر و بالاتر از همه محلی باشد. منظورم این است که ما باید تجربه و تخصص خودمان را ایجاد کنیم، از متخصصان مالیاتی گرفته تا مهندسان معدن باید محلی باشند. در حال حاضر نه این یکی را داریم و نه دیگری را. اگر این کار را درست انجام دهیم، هشت سال طول می کشد تا ظرفیت هایمان را افزایش دهیم. در حال حاضر ما فناوری یا بودجه این پروژه ها را کنترل نمی کنیم - حتی بازاریابی. ابتداء باید کل زنجیره تولید را کنترل کنیم تا به دام خطری که از قبل می دانیم نیفتیم: خرابکاری، کودتا یا رئیس جمهور ترور شده. بنابراین لازم است که این تحول را در مراحل مختلف در نظر بگیریم.

**برخی از کشورهای جنوب جهانی نمی خواهند از سیاست تحریم های غرب علیه روسیه حمایت کنند، بلکه بسیاری هستند که بر اساس تجربه خود از وابستگی به ناتو با آن مواجه هستند. درگیری های ناتو و روسیه تا چه اندازه بر اقتصاد، سیاست و طبقه کارگر زامبیا تأثیر می گذارد؟ نظر شما در مورد بن بست ناتو و روسیه چیست؟**

برای مردم، قیمت ها به سرعت در حال افزایش است. زامبیا کود را از اوکراین و روسیه وارد می کند و حتی کشاورزان کوچک نیز به آن وابسته هستند. اثرات جدی است. وقتی قیمت کود افزایش می یابد، قیمت مواد غذایی

افزایش می یابد. و زامبیا به کشوری گرسنه تبدیل می شود. یک یورو در حال حاضر برابر با ۲۵ کواچای زامبیا است. با توجه به افزایش هزینه های سوخت، حمل و نقل گران تر می شود. زامبیا غلات وارد می کند، قیمت نان بلافاصله افزایش می یابد. این یک بحران وحشتناک برای جمعیت است.

از نظر ژئوپلیتیک، ما این جنگ را قابل پیش بینی می دانیم: این یک مسأله زمان و نتیجه توسعه طلبی امپریالیستی ایالات متحده بود. جنگ وحشتناک است، ما نمی خواهیم جنگ را در جایی ببینیم، ما آرزوی صلح داریم. اما ما مسؤلیت این جنگ را متوجه ایالات متحده می دانیم. همچنین این احتمال وجود دارد که ایالات متحده دستان خود را بهم بمالد زیرا به نظر می رسد هدف تضعیف روسیه برای روی آوردن به چین باشد.



Cosmas Musumali

### کوسماس موسومالی

## نقش روسیه و چین را در آفریقا به ویژه در جنوب آفریقا و زامبیا چگونه ارزیابی می کنید؟ سیاست آنها چه تفاوتی با سیاست اتحادیه اروپا، بریتانیای کبیر و ایالات متحده دارد؟

ما آفریقاییها تاریخ داریم و ما از این تاریخ تأثیر می گیریم. با مردم قاره آفریقا مانند حیوانات رفتار شده، ما را به بردگی گرفتند، ما را از زمین هایمان کردند و ما را به قتل رساندند - میلیون ها نفر از ما. و افرادی که ما را به بردگی گرفتند چینی و روس نبودند. اروپایی ها و امریکایی ها بوده اند. در برلین در سال ۱۸۸۵ آنها به طور تصادفی قاره ما را مانند یک کیک به قطعات کوچک تقسیم کردند و ما مستعمره شدیم. وقتی مردم ما مقاومت کردند، سلاخی شدند و نسل کشی با خونسردی انجام شد، مانند المان ها در کامرون. این استعمار بود که تنها یک هدف داشت: دفاع از منافع اقتصادی قدرت های اروپایی.

وقتی بالاخره آزادی خود را به دست آوردیم، امریکایی ها و اروپایی ها در کنار ما نبودند. حتی در مورد آپارتاید، یک سیستم واقعاً شیطانی، این امریکایی ها نبودند که به ما اسلحه دادند، این اتحاد جماهیر شوروی بود. و زمانی که ما نتوانستیم کالاهای خود را از کشور خارج کنیم، این چینی ها بودند که خطر راه آهن از لوزاکا به تانزانیا را با ما ساختند. آن زمان چین کشور ثروتمندی نبود! ما بتازگی یک بنای یادبود برای بیش از ۱۰۰ کارگر چینی که در جریان ساخت و ساز جان خود را از دست دادند افتتاح کردیم.

دشمنان ما روس یا چینی نیستند، آنها ۶۰۰ سال ما را غارت و استثمار نکرده اند. رهبران مترقی ما مانند نکروماه، لومومبا، ماشل و سانکارا با مشارکت غرب کشته شدند. وقتی در مورد امریکای شمالی و اروپا صحبت می کنم، در مورد مردم آن کشورها صحبت نمی کنم. اما ماهیت امپریالیستی اروپا و امریکا را می شناسیم، دشمنان خود را می

شناسیم. ما دست نشانده چین و روسیه نیستیم، از مشکلات هم آگاه هستیم. اما یک کارگر معمولی در زامبیا خواهد گفت: «چرا؟ اینها دوستان ما هستند، آنها به ما کمک کردند!»

### **حزب شما به دنبال چه ارتباطی با المان و اروپاست؟ از این چه انتظاری دارید؟**

من با چپ اروپا پیوند شخصی و عاطفی دارم. آنجا بزرگ شدم، آنجا بود که اولین بار همبستگی را تجربه کردم و خودم همبستگی بین المللی را یاد گرفتم. در آنجا به من نشان داده شد که مبارزه برای جهانی بهتر، جهانی است و مبارزه ما در اینجا بخشی از آن است. بنابراین اروپا به نوعی به من نزدیک است. همچنین، به زامبیا به اندازه کافی توجه نمی شود. اما ما می خواهیم در مورد خودمان و مشکلاتمان اطلاع رسانی کنیم، می خواهیم نتایج کارمان را نشان دهیم، همچنین در حوزه پان افریقائی. ما خواهان توجهی هستیم که این پروژه ها شایسته آن هستند. جنبه های خاصی از کار ما قطعاً می تواند از تجربه، همبستگی و حمایت جنبش ها و احزاب چپ اروپا نیز بهره مند شود. درک چپ اروپا از راه دور اغلب دشوار است. ما دوست داریم مبادلات مستقیم بیشتری را شاهد باشیم.